

# سفالگری عصر آهن (حدود ۱۱۰۰-۱۴۵۰ پ-م) تپه هفتوان، دشت سلماس، حوزه دریاچه ارومیه

دکتر حسن طلایی

دانشیار گروه باستانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه تهران

## چکیده

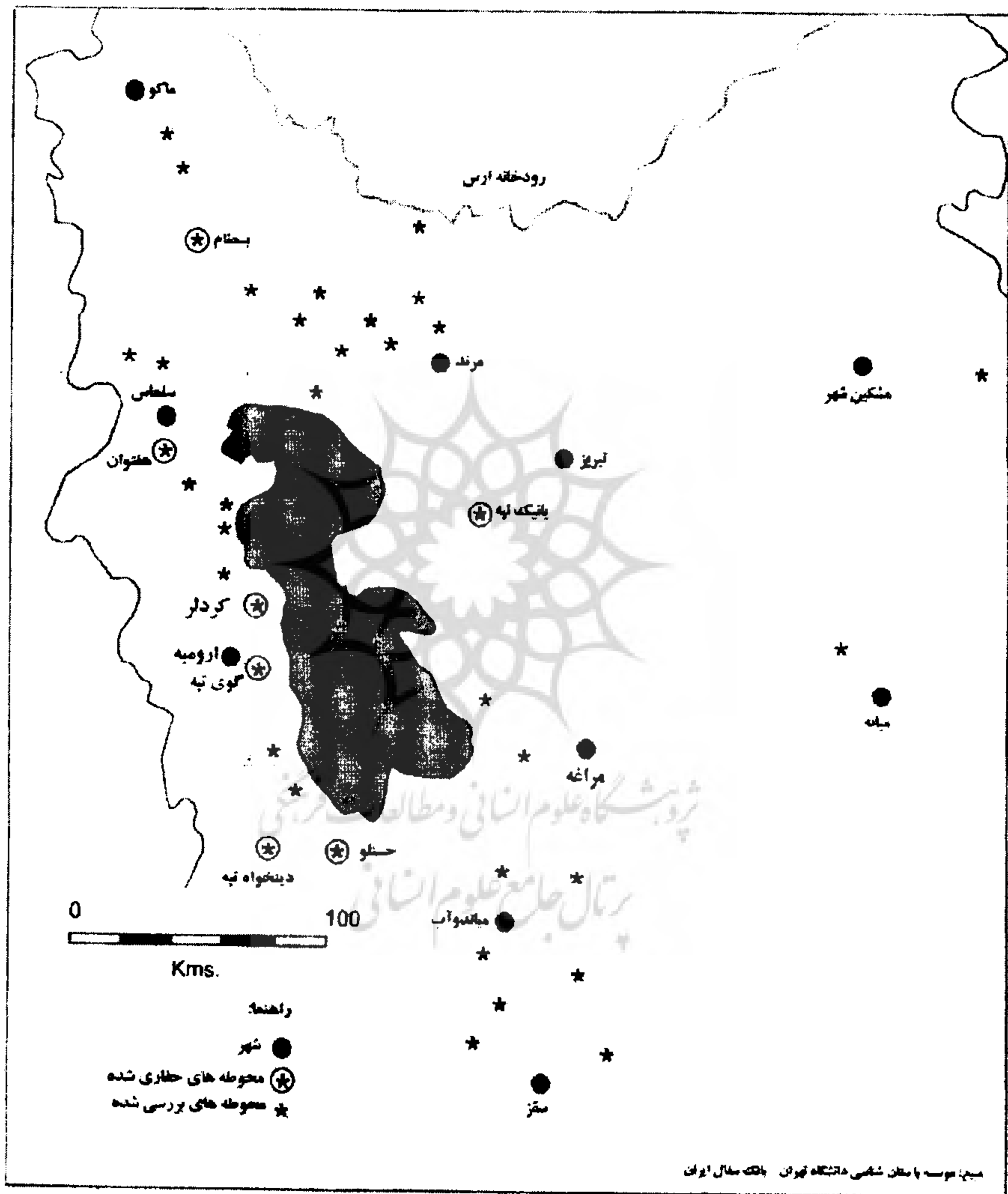
هفتوان تپه واقع در شمال دریاچه ارومیه پس از کاوشهای گسترده در تپه حسنلو واقع در جنوب این دریاچه و در جهت سنجش و آزمایش نتایج کاوشهای این محوطه مهم باستانی عصر آهن ایران بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ مورد کاوش قرار گرفته است. در این مقاله مجموعه سفالهای کشف شده از دوره ۵ هفتوان (عصر آهن I) با روش تحلیل کیفی و توجه به دو متغیر عمده در زمینه سفالگری (تکنولوژی، فرم و شکل ظروف سفالی) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. سپس نتایج به دست آمده با سفالگری دوره ماقبل عصر آهن (مفرغ متاخر) (دوره VI) هفتوان مقایسه شده است، تا بتوان تغییرات در سفالگری بین دو دوره فرهنگی را در تسلسل لایه نگاری یک محوطه باستانی به اثبات رساند. افزون بر این، نتایج این مطالعه با محوطه همزمان تپه حسنلو (دوره V) با روش تعمیم نتایج مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه آنچه که بیشتر جلب توجه می‌کند ماهیت متفاوت تغییرات سفالگری در دو محوطه همزمان در دوران آهن است. نتایج این مطالعه می‌تواند بعضی ابهامات موجود در باستان شناسی عصر آهن شمالغرب ایران را روشن نماید.

واژه‌های کلیدی: سفالگری، عصر آهن، تپه هفتوان، دشت سلماس، حوزه دریاچه ارومیه

## مقدمه

هفتوان تپه از جمله محوطه‌های باستانی شمالغرب ایران است که پس از انتشار نتایج ارزشمند «پروژه حسنلو» در همین منطقه و در جهت آزمایش این نتایج بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ میلادی توسط چارلز برنی از دانشگاه منچستر انگلستان مورد کاوش قرار گرفته است (Burney, 1975, 127).

ویژگیهای عمومی سفالهای استقرار عصر آهن تپه هفتوان (V) در گزارشهای مقدماتی، کاوشهای این محوطه منتشر شده است. در مطالعه پیش رو سفالهای عصر آهن این محوطه به روش تحلیل کمی انجام شده است. در این روش به ویژگیهای تکنولوژیک سفال از جمله تمپر (Temper) درجه پخت، طیف رنگ‌های سفال‌ها و روش ساخت به عنوان متغیرها توجه شده است. و در صد فراوانی (Frequency) آنها با استفاده از روشهای آماری مشخص شده است. افزون بر این اشکال مختلف ظروف سفالی عمداً بر اساس شکل لبه ظروف مشخص شده است. مجموعه سفالهای مطالعه شده از گمانه‌های JX به مساحت ۸۰ متر مربع، NE به مساحت ۱۷۰ متر مربع و PQ به مساحت ۱۴۰ متر مربع کشف شده‌اند. بدین ترتیب سفالهای کشف شده از حفاری مساحتی در حدود ۳۹۰ متر مربع شناسایی شده‌اند. باید اضافه نمود گمانه JX در حاشیه شرقی محوطه و گمانه‌های NE و PQ در قسمت‌های غربی آن واقع شده است. فاصله این گمانه‌ها حدود ۲۸۰ متر می‌باشد این موضوع از این نظر اهمیت دارد که مبنای اغلب تحلیل‌های لایه نگاری، گمانه‌های آزمایشی کوچکی هستند که در محل‌های خاصی از محوطه‌های باستان شناسی واقع شده‌اند. با توجه به این که انباشت لایه‌ها و مواد فرهنگی در لایه‌های هر گمانه آزمایشی به غیر از بقایای معماری اتفاقی می‌باشد، در واقع این گمانه‌ها وضعیت لایه‌های باستانی را حداکثر در منطقه‌ای از محوطه باستانی که واقع شده است را نشان می‌دهد، نه وضعیت کلی لایه نگاری محوطه را. باید توجه داشت مساحت کل تپه هفتوان حدود دویست هزار متر مربع می‌باشد. بنابر این تحلیل سفال‌ها به طور نسبی در بر گیرنده‌ی همه سفالهای عصر آهن I در هفتوان



توزیع محوطه های هزاره دوم پ.م در شمال غرب ایران (۳۹ محوطه)  
(مفرغ جدید و عصر آهن)

است. به غیر از سفال بقایای معماری عصر آهن I و دیگر داده های مرتبط از هفتوان تپه کشف گردیده است.

بر اساس یافته های لایه نگاری، استقرار آهن I بدون فاصله زمانی قابل مشاهده در ادامه عصر مفرغ متاخر (هفتوان VI) وجود داشته است. این وضعیت زمینه بسیار مساعدی را برای مطالعه تغییرات ساختارهای سفالگری بین دو دوره فرهنگی یاد شده فراهم می آورد.

سفالگری عصر آهن I هفتوان تپه: بر اساس نوع سفال، مجموعه سفال های عصر آهن I را می توان در پنج گروه مورد بررسی قرار داد و در صد فراوانی انواع سفالها را مشخص نمود. (نمودار ۱)

نمودار ۱: در صد فراوانی انواع سفالهای هفتوان تپه ۷ (عصر آهن I)

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	۵۲٪
خاکستری	۲۳٪
قرمز قرمزی	۱۵٪
نخودی	۷٪
خاکستری سیاه	۳٪

از نمودار فوق کاملاً مشخص است که سفال قهوه ای بیشتر از دیگر انواع سفال در هفتوان ۷ مورد استفاده و رایج بوده است؛ در عین حال درصد فراوانی سفال خاکستری سیاه غیر قابل توجه است. سفال خاکستری از سفالهای شاخص عصر آهن می باشد که از محوطه های همزمان منطقه از جمله حسنلو دوره ۷ گزارش شده است، اما درصد فراوانی سفال خاکستری در حسنلو ۴۰٪ می باشد. این تفاوت در چهار چوب تحلیل سفالگری عصر آهن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است چنانکه در تحلیل های اولیه که توسط یانگ انجام شده است (Young, 1965, P.53-85) ظاهراً بر اساس همگونی

سفالی که در دوره آهن I در منطقه رایج بوده است، همگونی فرهنگی نیز به تبع آن پیشنهاد شده است. شواهد هفتوان که در ۲۰۰ کیلومتری تپه حسنلو و در یک محیط زیست همگون (حوزه دریاچه ارومیه) واقع شده است، نشان می‌دهد که نه تنها سفال خاکستری در مجموعه سفالهای این محوطه سفال عمده نبوده است، بلکه درصد فراوانی سفالهای خاکستری به همراه انواع دیگر سفال (قرمز، نخودی، خاکستری و سیاه) (نمودار ۱) هنوز کمتر از درصد فراوانی سفالهای قهوه‌ای هفتوان می‌باشد.

به غیر از سفال خاکستری، انواع دیگر سفال در بقایای عصر آهن I هفتوان، ادامه سنتهای سفالگری دوره ماقبل (مفرغ متاخر، هفتوان VI) را نشان می‌دهد. در عین حال وجود سفالهای خاکستری با درصد فراوانی ۲۳٪ را می‌توان به عنوان نفوذ تدریجی این نوع سفال در این محوطه در نظر گرفت. از نقطه نظر تکنولوژیکی، مجموعه سفالهای هفتوان V همگون نیست. به طوریکه سفالهای خشن و متوسط ۹۰٪ مجموعه را تشکیل می‌دهند. در حالی که در کل مجموعه سفالهای ظریف کمتر از ۱۰٪ را تشکیل می‌دهند (نمودار ۲). باید اضافه کرد در این مطالعه ضخامت متوسط بدنه ظروف به عنوان شاخص تمایز بین سفالهای خشن، متوسط و ظریف در نظر گرفته شده است.

نمودار ۲: درصد فراوانی سفالهای خشن، متوسط و ظریف در مجموعه سفالهای هفتوان V

نوع سفال	ظریف	متوسط	خشن
قهوه‌ای	۲۰٪	۴۵٪	۳۵٪
خاکستری	۱۵٪	۴۰٪	۳۵٪
قرمز	۵٪	۵۰٪	۴۵٪
نخودی	۱۵٪	۴۰٪	۴۵٪
خاکستری سیاه	---	۶۰٪	۴۰٪

تغییر در تکنولوژی سفال در هفتوان تپه V فقط در ظهور سفال خاکستری در این دوره قابل مشاهده است. باید توجه داشت به غیر از سفال خاکستری و خاکستری سیاه

که در کوره بسته به عمل می‌آید، انواع دیگر سفال مجموعه در کوره های باز تولید می‌شده‌اند.

مطالعات میکروسکوپی مجموعه سفالهای هفتوان V نشان می‌دهد که در ساخت آنها از میکا (Mica) و آهک (Lime) به عنوان تمپر (Temper) استفاده شده است. اما بر اساس استفاده و یا عدم استفاده از مواد و نوع و گونه سفالها نمی‌توان هیچ نوع ارتباط منطقی را نتیجه گرفت. معادن میکا و آهک به فراوانی در دشت سلماس و مناطق پیرامونی یافت می‌شود استفاده از میکا و آهک در سفالگری دوره ماقبل (هفتوان VI) به ندرت دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد در ساخت سفالهای هفتوان از ماسه به عنوان تمپر استفاده نشده است، بلکه ترکیبات ماسه بطور طبیعی در خاک رس استفاده شده وجود داشته است. این امر نشان می‌دهد عدم تصفیه یا تصفیه ناقص خاک رس قبل از آماده کردن گل است. شاید از این منظر بتوان درصد فراوانی سفالهای خشن و متوسط (۹۰٪) را در مجموعه سفالهای هفتوان V توجیه نمود.

در مجموعه هفتوان V شیوه‌های تزینی عبارتند از صیقل دادن سطوح بیرونی ظروف سفالی و نقاشی روی سفالها. این شیوه‌ها به نسبت‌های ناهمگون رایج بوده است. به طوریکه سفالهای منقوش درصد نسبتاً اندکی را شامل می‌شود، و شیوه صیقل دادن شامل بیشتر از ۳۰٪ مجموعه سفالها می‌باشد. در عین حال در صد فراوانی شیوه صیقل دادن در انواع مختلف سفالها نیز متفاوت است (نمودار ۳).

با توجه به این که به غیر از سفال خاکستری، انواع دیگر سفالها در مجموعه سفالهای عصر آهن I (هفتوان V) نشانه‌های روشنی از ادامه سفالگری دوره ماقبل (هفتوان V) ارایه می‌دهند، می‌توان استنباط کرد که شیوه صیقل دادن در دوره ماقبل نیز رواج داشته است. چنانچه درصد فراوانی سفالهای صیقل داده شده مطالعه حاضر را مبنای محاسبه قرار دهیم، در این صورت درصد فراوانی سفالهای صیقلی در دوره مفرغ متاخر را می‌توان ۲۴٪ تخمین زد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در عصر آهن I افزایش

قابل توجهی در استفاده از شیوه صیقل دادن بوجود آمده است.

نمودار ۳: در صد فراوانی سفالهای صیقلی در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	درصد فراوانی صیقل
نخودی	٪۳۹
خاکستری	٪۵۵
قرمز	٪۱۵
نخودی	----
خاکستری سیاه	٪۴۱

سفال قهوه‌ای: این نوع سفال که به طور متعارف در کوره باز پخته می شده است فراوان‌ترین سفال رایج در هفتوان V بوده است. به طوریکه حدود ۵۲٪ مجموعه سفالهای مطالعه شده مربوط به طیف سفالهای قهوه‌ای می باشد. سطح سفالها اغلب به رنگ قهوه‌ای سایه روشن است. طیف رنگها با احتمال در اثر فعل و انفعالات اتفاقی حرارت کوره به وجود آمده است. در سفالهای نوع قهوه‌ای نیز از تمپر میکا و آهک استفاده شده. تمپر میکا به صورت کاملاً پودر شده استفاده شده است، در حالیکه تمپر آهک کاملاً پودر نشده است. در سفال هائیکه دارای ضخامت بیشتری می باشند و از نظر ساخت جزو سفالهای متوسط و خشن به شمار می آیند این وضعیت با وضوح بیشتری دیده می شود (نمودار ۴).

نمودار ۴: در صد فراوانی سفالهای خشن، متوسط و ظریف در سفالهای قهوه ای هفتوان V

نوع ساخت سفال	درصد فراوانی
خشن	٪۳۵
متوسط	٪۴۵
ظریف	٪۲۰

در مجموعه سفالهای قهوه‌ای، فراوانی صیقل دادن در سفالهای ظریف بیشتر از سفالهای خشن و متوسط است. باید یاد آوری کرد فراوانی سفالهای صیقل داده شده در

مجموعه سفالهای قهوه ای ۳۹٪ می باشد.

سفال خاکستری: این نوع سفال که به طور متعارف در کوره‌های بسته به عمل می‌آید در محوطه‌های عصر آهن I مثل حسنلو V و دیگر محوطه‌های همزمان عمده‌ترین سفال رایج بوده است. اما در بقایای هفتوان V سفال خاکستری از نظر در صد فراوانی بعد از سفال قهوه‌ای در مرتبه دوم (۲۳٪) قرار می‌گیرد (در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود). سفالهای خاکستری هفتوان با درجه حرارت مناسب پخته شده‌اند. اکثر سفالهای خاکستری در زمره سفالهای متوسط می باشند، در تمپر آنها از میکا و آهک استفاده شده است، بطوریکه آثار میکا در سطح سفالها حتی با چشم غیرمسلح نیز به خوبی قابل رؤیت است (نمودار ۵).

نمودار ۵: در صد فراوانی سفالهای خشن، متوسط و ظریف در سفالهای خاکستری هفتوان V

نوع ساخت سفال	درصد فراوانی
سفال خشن	۳۵٪
سفال متوسط	۴۰٪
سفال ظریف	۱۵٪

سفال قرمز: مطالعه کمی سفالهای هفتوان V، فراوانی سفالهای قرمز را در مجموعه سفالی ۱۵٪ نشان می‌دهد. رنگ سفالها در اغلب موارد قرمز است. اما در مواردی قرمز روشن نیز وجود دارد. در صد فراوانی سفالهای متوسط در این گونه بیشتر از سفالهای خشن و ظریف می‌باشد (نمودار ۶).

نمودار ۶: در صد فراوانی سفالهای خشن، متوسط و ظریف در نوع سفال قرمز هفتوان V

نوع ساخت سفال	درصد فراوانی
سفال خشن	۴۵٪
سفال متوسط	۵۰٪
سفال ظریف	۵٪



از تمپر میکا و آهک در ساخت سفالهای قرمز استفاده شده است. در ۱۵٪ سفالهای قرمز آثار صیقل دیده می شود. عمل صیقل دادن بیشتر در سفالهای قرمز ظریف انجام شده است.

سفال نخودی: سفالهای نخودی بدون صیقل می باشند این نوع سفالها عمدتاً جزو سفالهای متوسط می باشند، ۷۰٪ کل سفالهای کشف شده از بقایای عصر آهن I هفتوان نخودی هستند. بر خلاف انواع دیگر، در ساخت سفالهای نخودی از تمپر میکا و آهک استفاده نشده است.

سفال خاکستری سیاه: این نوع سفال جزو سفالهای متوسط و در عین حال کمیابترین نوع سفال در مجموعه سفالهای هفتوان V به شمار می روند. تفاوت اصلی این سفالها با سفالهای خاکستری، در رنگ سیاه مایل به خاکستری آنهاست. این رنگ به صورت همگون در تمام سفالهای این گروه دیده می شود. از سوی دیگر، عمل صیقل دادن در سطح این سفالها بهتر و بیشتر از سفالهای خاکستری صورت گرفته است. همگونی رنگ و انسجام عمل صیقل دادن، شاید نشانه کنترل بیشتر تکنولوژیکی تولید این نوع سفال باشد. از این نظر این گروه از سفالها به صورت مجزا از سفالهای خاکستری مورد بررسی قرار گرفته است.

گونه شناسی شکل و فرم: ظروف سفالین هفتوان V در ۵ شکل و فرم اصلی ساخته شده است. بنابراین تحلیل گونه شناسی آنها بر این اساس انجام شده است (نمودار ۷).

نمودار ۷: در صد فراوانی انواع فرم و شکل در مجموعه سفالهای هفتوان V

انواع فرم و شکل	درصد فراوانی
کاسه	٪۶۳
کوزه	٪۳۴
آبخوری	٪۱
بشقاب	٪۱
ظروف لوله دار	٪۱

کاسه‌ها: بر اساس جهت دیواره و لبه کاسه‌ها، در سفالهای هفتوان V شش نوع کاسه شناسایی می‌شود. کاسه‌ها بیشتر از دیگر ظروف مورد استفاده بوده‌اند. بنابر این استفاده روزانه از آنها مسلم به نظر می‌رسد.

تبیین اینکه کاسه‌ها در چه مواردی استفاده می‌شدند و یا اینکه چه مواد و مایعاتی را در داخل آنها قرار می‌دادند در حال حاضر غیر ممکن است مگر اینکه آزمایشهای لازم در این زمینه صورت گیرد. در هر حال می‌توان فرض کرد کاسه‌ها در ارتباط با مواد غذایی و مایعات کاربرد داشتند. باید توجه داشت هنوز هم در جوامع روستایی و عشایری کاسه‌ها به دو منظور، نوشیدن مایعات و خوردن مواد غذایی کاربرد دارند. کاسه‌های نوع ۱: این نوع کاسه‌ها اغلب کم عمق هستند و قسمت لبه آنها کمی به داخل برگشته است. انحناي بدنه در پایین قسمتهای لبه شکل گرفته است (شکل ۱). نوع اول کاسه‌ها در انواع سفالهای رایج با در صد فراوانی متفاوت مشاهده می‌شود (نمودار ۸).

نمودار ۸: در صد فراوانی کاسه‌های نوع ۱ در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	در صد فراوانی
قهوه‌ای	٪۴۶
خاکستری	٪۲۶
قرمز	٪۶
نخودی	٪۶
خاکستری سیاه	٪۱۸

کاسه‌های نوع ۲: قسمت لبه‌ی این کاسه‌ها به داخل برگشته است. در زیر لبه و انحناي بدنه زاویه‌ای دارد (شکل ۲). در این نوع کاسه، از روش صیقل دادن به طور گسترده استفاده شده است. این نوع کاسه در انواع اصلی سفالهای رایج ساخته شده است (نمودار ۹).

نمودار ۹: درصد فراوانی کاسه های نوع ۲ در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	٪۶۷
خاکستری	٪۱۵
قرمز	٪۹
نخودی	٪۳
خاکستری سیاه	٪۶

کاسه های نوع ۳: لبه ی این نوع کاسه ها به بیرون برگشته است. در اکثر موارد بین قسمت لبه و بدنه زاویه وجود دارد (شکل ۳). این نوع کاسه ها با انواع مختلف سفال ساخته شده است (نمودار ۱۰).

نمودار ۱۰: درصد فراوانی کاسه های نوع ۳، در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	٪۴۴
خاکستری	٪۱۹
قرمز	٪۳۱
نخودی	٪۶
خاکستری سیاه	----

کاسه های نوع ۴: این نوع کاسه ها دسته دار می باشند (شکل ۴) دسته ها به صورت عمودی در قسمت لبه تعبیه شده اند. اندازه دسته ها ناهمگون می باشند. نوع دسته ها جنبه کاربردی آنها را نشان می دهد. این نوع کاسه ها از دوره ما قبل (هفتوان VI) گزارش نشده است. به نظر می رسد تعبیه دسته در کاسه در دوره هفتوان V رایج شده است. اکثر کاسه های دسته دار از نوع سفالهای قهوه ای ساخته شده اند (نمودار ۱۱).

نمودار ۱۱: درصد فراوانی کاسه های نوع ۴ در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	٪۵۸
خاکستری	٪۶
قرمز	٪۱۸
نخودی	٪۱۲
خاکستری سیاه	٪۶

کاسه های نوع ۵: این نوع کاسه ها دارای پایه های دکمه مانند است. لبه آنها کمی به داخل برگشته است (شکل ۵). این گونه از کاسه ها در دوره ما قبل هفتوان VI بسیار رایج بوده است. اکثریت این کاسه ها از سفال قهوه ای ساخته شده اند (نمودار ۱۲).

نمودار ۱۲: درصد فراوانی کاسه های نوع ۵ در انواع سفالهای هفتوان V

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	٪۷۹
خاکستری	-----
قرمز	٪۲۱
نخودی	-----
خاکستری سیاه	-----

کاسه های نوع ۶: این نوع کاسه ها مثل کاسه های نوع ۵ در دوره هفتوان VI نیز ساخته شده است. دیواره کاسه ها تقریباً عمودی می باشد (شکل ۶). بین لبه و بدنه هیچ زاویه ای مشاهده نمی شود. تمامی این کاسه ها از نوع سفال قهوه ای است. کوزه ها: بعد از کاسه ها معروف ترین ظرف سفالی در هفتوان V است به طوریکه کوزه ها ٪۳۵ کل ظروف سفالی را تشکیل می دهند در مجموعه مورد مطالعه، کوزه ها بر اساس شکل و الگوی ساخت گردن آنها (دراز، متوسط، و کوتاه) تقسیم بندی شده اند کوزه ها در اغلب موارد دارای پایه مسطح می باشند. ضخامت متوسط کوزه ها بیشتر از

انواع دیگر ظروف است. شیوه صیقل دادن در مجموعه کوزه‌ها به کار نرفته است نوع سفال کوزه‌ها خشن می‌باشد و در تمپر آنها به نسبت ظروف دیگر از ماسه استفاده شده است. کوزه‌ها در اندازه‌های نسبتاً نا همگون ساخته شده‌اند، شاید از کوزه‌های اندازه بزرگ برای ذخیره مواد و مایعات استفاده می‌شده است.

کوزه‌های نوع ۱: از ویژگیهای عمده‌ی این نوع درشتی گردن دراز می‌باشد (شکل ۷) نوع سفال این گروه از کوزه‌ها متوسط و خشن می‌باشد که در انواع مختلف سفال ساخته شده است (نمودار ۱۳). درصد فراوانی این نوع در مجموعه کوزه‌ها ۲۰٪ می‌باشد.

نمودار ۱۳: درصد فراوانی کوزه‌های نوع ۱ در انواع سفالهای هفتوان ۷

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه‌ای	٪۵۱
خاکستری	٪۶
قرمز	٪۳۱
نخودی	٪۱۲
خاکستری سیاه	-----

کوزه‌های نوع ۲: این نوع کوزه دارای گردن متوسط می‌باشد (شکل ۸). نوع سفال این گروه از کوزه‌ها متوسط و خشن است. برخلاف نوع اول در این گروه شیوه صیقل دادن به میزان اندک دیده می‌شود این نوع کوزه با انواع سفالهای رایج در محوطه ساخته شده است (نمودار ۱۴).

نمودار ۱۴: درصد فراوانی کوزه‌های نوع ۲ در انواع سفال‌های هفتوان ۷

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه‌ای	٪۵۰
خاکستری	٪۳۵
قرمز	٪۵
نخودی	٪۱۰
خاکستری سیاه	-----

کوزه‌های نوع ۳: به نظر می‌رسد این نوع کوزه‌ها بیشتر از دو نوع دیگر رایج بوده است. به طوریکه ۵۶٪ مجموعه کوزه‌ها مربوط به این نوع است. این نوع کوزه دارای گردن کوتاه می‌باشد (شکل ۹)

به لحاظ ساخت این نوع کوزه‌ها را می‌توان جزو سفالهای خشن و متوسط به شمار آورد. این کوزه‌ها در انواع مختلف سفال ساخته شده‌اند (نمودار ۱۵).

نمودار ۱۵: درصد فراوانی کوزه‌های نوع ۳ در انواع سفالهای هفتون V

نوع سفال	درصد فراوانی
قهوه ای	۴۸٪
خاکستری	۱۶٪
قرمز	۲۸٪
نخودی	۸٪
خاکستری سیاه	---

آبخوریها: از بقایای هفتون VI (مفرغ متاخر) ۹ نوع آبخوری شناسایی شده است (Edwards, 1983). آبخوریها از ظروف شاخص این دوره به شمار می‌آیند. بنابراین پیدایش حتی اندک آبخوریها در بقایای هفتون V (عصر آهن I) می‌تواند به عنوان ادامه سنت‌های سفالگری در محوطه تلقی گردد. از بقایای هفتون V چهار نوع آبخوری شناسایی شده است. در عین حال باید یاد آوری کرد، بر اساس درصد فراوانی آبخوریها، یکی از کم مصرف ترین ظروف سفالی در محوطه بوده است.

آبخوریهای هفتون V عموماً لبه برگشته هستند و بر خلاف آبخوریهای دوره ما قبل (هفتون VI) غیر منقوش می‌باشند.

ظروف لوله‌دار: ظروف لوله‌دار ظاهراً از فرمهای شاخص عصر آهن I است که در این دوره در نیمه غربی فلات ایران رایج شده است. با توجه به شکل ویژه‌ی این ظروف گفته شده آن فرمی است که توسط مهاجران تازه وارد به فلات ایران آورده شده است. این نظر مورد تردید قرار گرفته است (طلایی ۱۳۷۴). درصد فراوانی ظروف

لوله‌دار در بقایای عصر آهن I هفتوان بسیار اندک است (۱٪) در حالیکه در محوطه‌های دیگر عصر آهن I، این ظروف ویژه بادرصد فراوانی افزون‌تری دیده می‌شود. بشقاب‌ها: به‌رغم کاربردهای روزانه بشقاب، در مجموعه ظروف سفالی هفتوان V (عصر آهن I)، این ظروف به تعداد اندک یافت شده است. این وضعیت در دوره ما قبل (هفتوان VI) نیز دیده می‌شود.

نتیجه و بحث: از آنچه که تاکنون در زمینه سفالگری عصر آهن I هفتوان تپه مورد بحث قرار گرفت، می‌توان به‌روشنی ادامه سنت‌های سفالگری دوره ما قبل (هفتوان VI) را در دوره V (عصر آهن I) استنباط کرد. مقایسه در صد فراوانی نوع سفال و نیز اشکال و فرمهای رایج در این دو دوره فرهنگی موضوع را هر چه بیشتر روشن می‌کند (نمودارهای ۱۶ و ۱۷).

به‌رغم ظهور سفال خاکستری و متروک شدن سفال نارنجی، باز هم می‌توان ادامه سنت‌های سفالگری دوره ما قبل (VI) در دوره (V) را مورد توجه قرار داد. شاخصهای اصلی این موضوع را در افزایش استفاده از سفال قهوه‌ای از ۳۴٪ (دوره VI) به ۵۵٪ (دوره V)، درصد فراوانی اندک سفالهای نوع نخودی و خاکستری سیاه در هر دو دوره جستجو کرد.

نمودار ۱۶: در صد فراوانی انواع سفال در هفتوان VI و V (مفرغ متاخر و عصر آهن I)

دوره	قهوه‌ای	خاکستری	خاکستری سیاه	نارنجی	قرمز	قرمز روشن	نخودی
VI	۳۴٪	---	۴٪	۴۴٪	۸٪	۶٪	۴٪
V	۵۲٪	۲۳٪	۳٪	---	۱۵٪	---	۷٪

نمودار ۱۷: مقایسه در صد فراوانی اشکال ظروف سفالی در هفتوان VI و V

(مفرغ متاخر و آهن I)

دوره	ظروف لوله دار	کاسه	کوزه	بشقاب	آبخوری
VI	---	۴۲٪	۴۶٪	۴٪	۸٪
V	۱٪	۶۳٪	۳۴٪	۱٪	۱٪

مقایسه سفالگری دوره مفرغ متاخر (هفتوان VI) و عصر آهن I (هفتوان V) بر اساس دو متغیر نوع سفال و فرم و شکل ظروف نشان می‌دهد که به لحاظ سفالگری بین این دو دوره فرهنگی تفاوت‌های اندکی وجود داشته است.

در عین حال سفال نارنجی که در دوره VI با درصد فراوانی ۴۶٪ رایج بوده است. در دوره V به طور مطلق متروک شده است. از سوی دیگر سفال خاکستری صیقلی که در دوره V (عصر آهن I) برای اولین بار با درصد فراوانی ۲۳٪ در مجموعه سفالهای این دوران نشان داده شده است. در مجموعه سفالهای دوره ما قبل (VI) مطلقاً رایج نبوده است.

افزون بر آن اگر متغیر دیگر این تحلیل، شکل و فرم ظروف سفالی را مورد توجه قرار دهیم، در این صورت تغییرات بسیار اندکی در زمینه سفالگری بین دو دوره فرهنگی دیده می‌شود. از یک سو در دوره V (آهن I) فقط یک شکل ظرف (لوله‌دار) که در مجموعه ظروف دوره ما قبل (VI) وجود نداشته است، در دوره V با درصد فراوانی ۱٪ دیده می‌شود. از سوی دیگر، ۹۹٪ ظروف دوره V ادامه ظروف دوره VI می‌باشد (نمودار ۱۷).

بدین ترتیب اگر دو متغیر عمده، نوع سفال و شکل ظروف را در رابطه تنگاتنگ مورد توجه قرار می‌دهیم، به وضوح تغییرات اندک در ساختار سفالگری دو دوره قابل استنباط است. این نتیجه‌گیری که مبتنی بر تحلیل کمی و کیفی سفالگری یک محوطه استقرار عصر مفرغ متاخر و آهن I (هفتوان‌تپه) که دارای لایه‌نگاری منسجم می‌باشد، در چهارچوب تحولات عصر آهن ایران یا حداقل شمالغرب ایران از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار می‌باشد. عصر آهن ایران به طور متعارف بر اساس رایج شدن نوع خاصی از سفال (خاکستری) در حدود قرن ۱۵ پ.م تبیین شده است؛ که ظاهراً توسط مهاجران «تازه وارد» به وجود آمده است و در نهایت موجب تغییرات ساختاری در فرهنگ‌های بومی ایران شده است. مطمئناً شواهد سفالی ارائه شده نقطه نظر مورد اشاره‌ای را درباره تحولات عصر آهن تایید نمی‌کند.

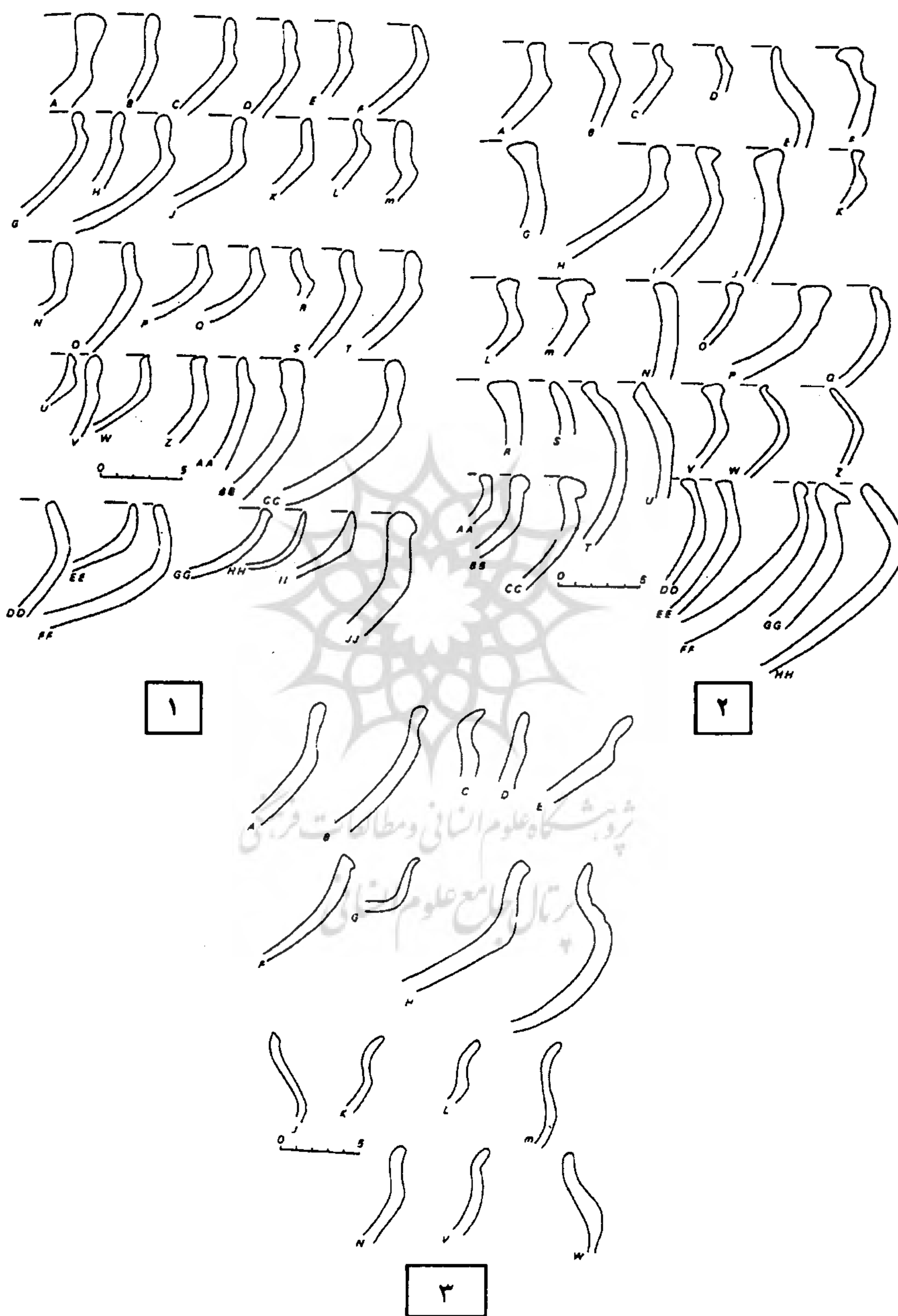


نزدیکترین محوطه باستانی همزمان هفتوان تپه، تپه حسنلو است که دارای لایه‌نگاری و کاهنگاری منسجم می‌باشد. در این محوطه تغییرات فرهنگی بین عصر آهن I (حسنلو V) و عصر مفرغ متاخر (حسنلو VI) نه تنها در ترکیب سفالهای این محوطه، بلکه در دیگر مواد فرهنگی از جمله بقایای معماری نیز دیده می‌شود.

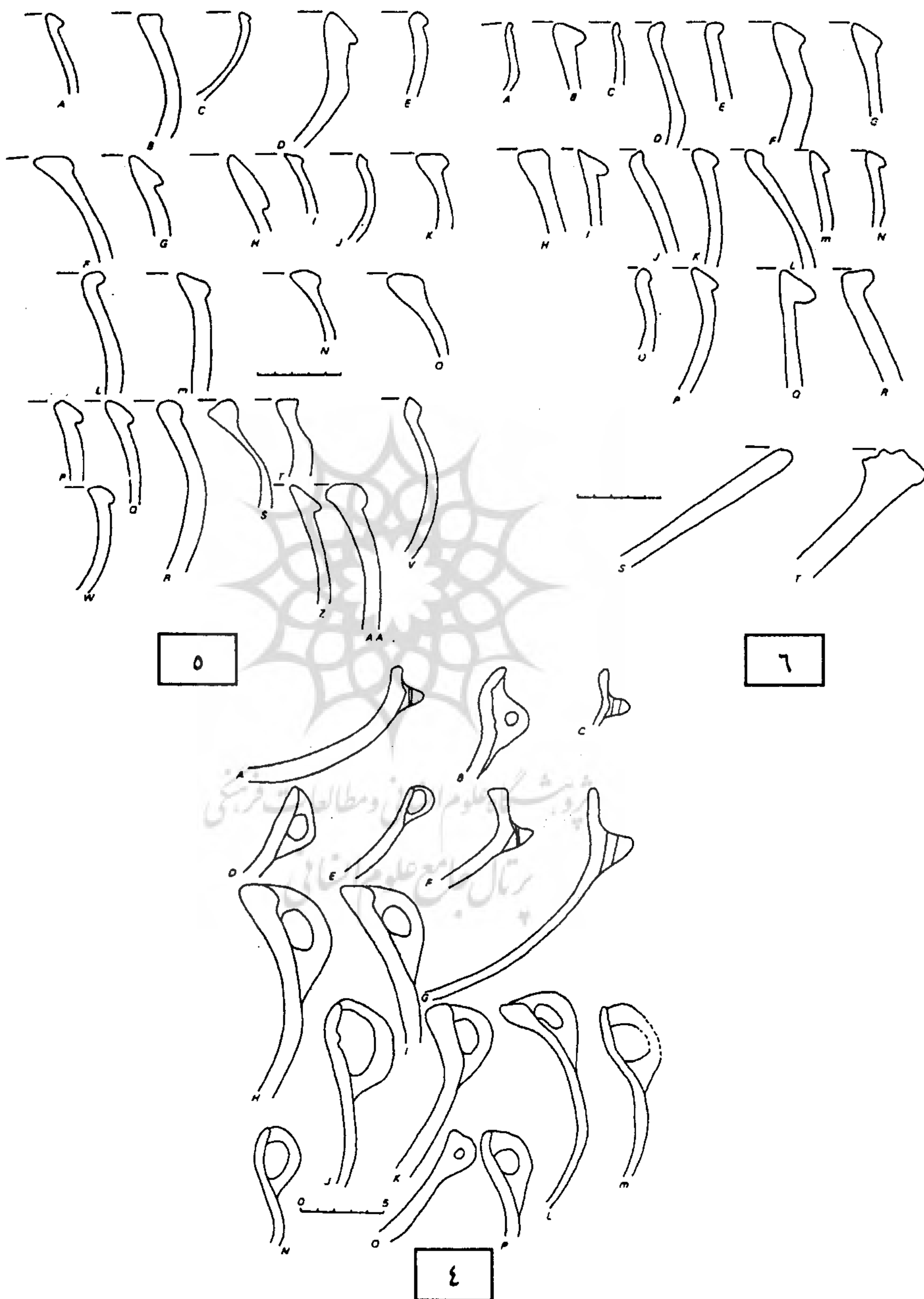
بر اساس اطلاعات موجود تغییرات فرهنگی در این محوطه به صورت ناگهانی صورت گرفته است. به طوریکه سفالهای منقوش که شاخص دوره مفرغ متاخر می‌باشند به کلی در دوره عصر آهن I (حسنلو V) متروک شده‌اند. افزون بر آن، سفال خاکستری که یکی از شاخصهای عصر آهن می‌باشد با در صد فراوانی ۴۰٪ در حسنلو رایج شده است.

همانطور که قبلاً نیز نشان داده شد در هفتوان وضعیت به گونه دیگری است. در این محوطه سفالهای منقوش، شاخص مفرغ متاخر تا حدود ۱۱۰۰ پ.م (شروع عصر آهن II) ادامه پیدا کرده است و سفالهای خاکستری نیز در مجموعه سفالهای این محوطه با در صد فراوانی حداکثر ۲۳٪ رایج بوده است.

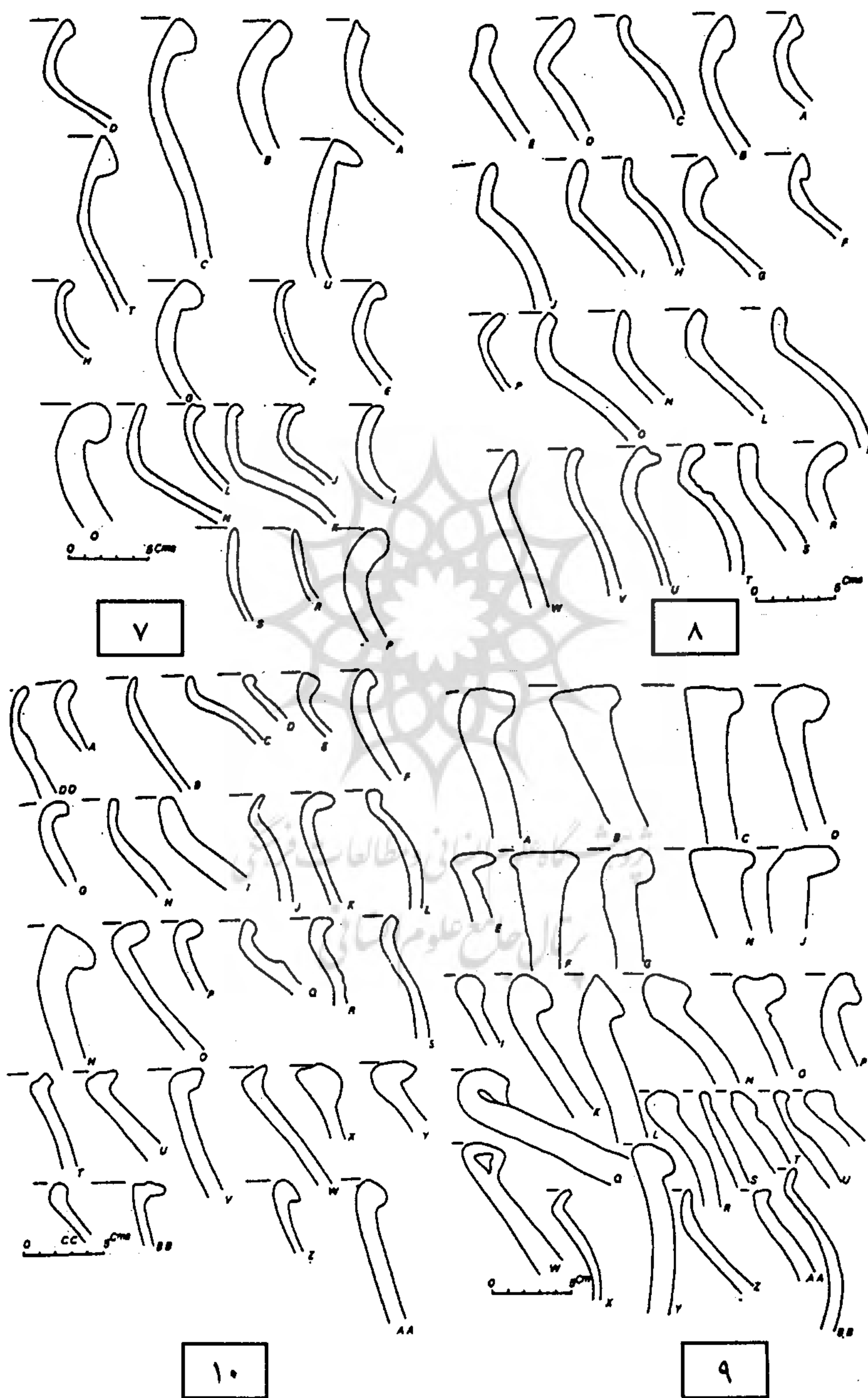
بنابراین در این محوطه، بر خلاف محوطه همزمان حسنلو، نه تنها تغییرات فرهنگی به صورت ناگهانی رخ ننموده است، بلکه این تغییرات به صورت تدریجی بوده و تاثیر فراوان فرهنگ بومی منطقه را در سفالگری عصر آهن I همانطوریکه نشان داده شد، باید در نظر گرفت.



شکل های ۱ (نوع کاسه های ۱)، ۲ (نوع کاسه های ۲) ۳ (نوع کاسه های ۳)



شکل های ۴ (نوع کاسه های ۴)، ۵ (نوع کاسه های ۵) ۶ (نوع کاسه های ۶)



شکل های ۷ (نوع کاسه های ۱)، ۸ (نوع کاسه های ۲)، ۹، ۱۰ (نوع کاسه های ۳)

## فهرست منابع:

- ۱- طلائی؛ حسن، ۱۳۸۳، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول پ.م، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران
- ۲- طلائی؛ حسن، ۱۳۸۱، سنتها و شیوه های تدفین در عصر آهن ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۲ و ۱۶۳.
- ۳- طلائی؛ حسن، ۱۳۷۴، پویائی فرهنگی در باستان شناسی ایران یادنامه اولین گردهمایی باستان شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- ۴- طلائی؛ حسن، ۱۳۷۴، پیشینه ظروف سفالینی لوله دار و مهاجرت ایرانیها، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال ۱۳۷۴، نشر دانشگاه.

## منابع لاتینی

- 5-Burney, C.A; 1970, Excavations at Haftavan, 1968, 1<sup>st</sup> Preliminary Report, Iran, XI, PP. 127-142.
- 6-Dyson, R.H; 1962, The Hasanlu Project, Sciences, February 23, vol 135, P3.
- 7-Dyson, R.H; 1968, The Archaeological Evidence of the second Millennium, B.C. on the Persian, plateau CAH, Fascicle number 66, Cambridge.
- 8-Dyson, R.H; and V.C. Pigott, 1976 Report on current Excavations, Iran, xlll, pp182- 5.
- 9-Dyson, R.H; O.W. Muscarella and M.M. Voigt, 1969, Hasanlu project 1968, Hajji Firuz, Dinkhatepe, Se Girdan, Qalatgah Iran, VII, PP.179- 81.
- 10-Edwards, M; 1983, Excavations in Azerbaijan (Northwestern Iran), VOI.I, Haftavan Period VI, BAR, 182.
- 11-Talai, H; 1984, north-Western Iran and Surrounding Regions in Iron I and Iron II.-Haftavan V- IV in its context, Ph. D thes is. Universeity of Manchester.
- 12-Young, T.C.Jr; 1965, A Comparative Ceramic Chronodgy for Western Iran, 1500- 800 B.C., Iran.III, PP.53-85.
- 13-Young, T.C.Jr; 1967, The Iranian Migration in to the Zagros. Iran, IV, PP.11-34.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی